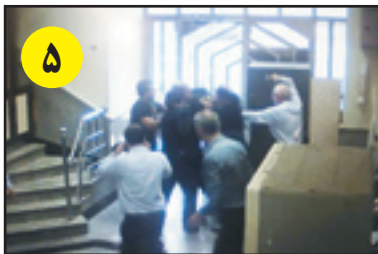
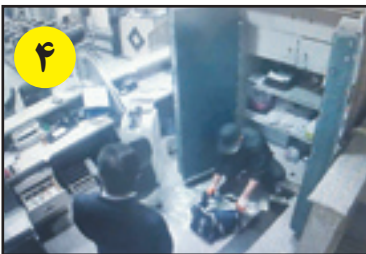
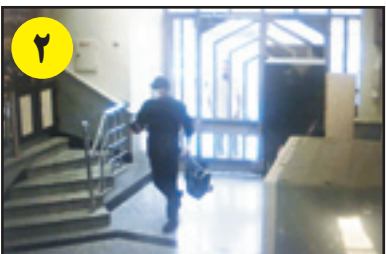


سارق مسلح بانک در دام خودش گرفتار شد



بانک دستگیر می‌شود. مرد سیاهپوش در حالی که آثار ضرب و جرح روی صورتش نمایان بود خیلی آرام در سالن کلابتری شهرک ولیعصر به دیوار تکیه داده بود در خواست آب کرد و پس از خوردن آب به آرامی به سوالات خبرنگار ما پاسخ داد.

خودت را معرفی کن؟
کمال هستم ۵۱ سال سن دارم.

متأهلی؟
بله، دو پسر جوان دارم و در یکی از محله‌های جنوبی تهران زندگی می‌کنیم.

چرا صورتت زخمی شده؟
کارمندان و مشتریان وقتی مرا دستگیر کردند به شدت کتک زدند و صورتم زخمی شد.

سابقه داری؟
نه، من هیچ سابقه کیفری ندارم.

چه شد که تصمیم به سرقت مسلحانه گرفتی؟

بدهکار بودم، چک ۶۰ میلیونی داشتم و چند روز دیگر سر رسید آن بود. به هر دری زدم نتوانستم پول جور کنم. حتی برای وام به بانک رفتم، اما آنقدر قانون و تبصره داشتند که موفق به گرفتن وام نشدم تا اینکه نقشه سرقت مسلحانه را طراحی کردم.

چرا ۶۰ میلیون چک داده بودی؟

زمین بزرگی حدود ۱۰۰۰ متر در شهرستان دارم که بیش از یک میلیارد تومان ارزش دارد. چند وقتی قبل بد از ۱۵ سال زندگی در تهران تصمیم گرفتم به شهرستان بروم و یک مجتمع مسکونی و تجاری بسازم. شروع به کار کردم که پول کم آوردم. ابتدا به بانک رفتم و درخواست وام کردم، اما وقتی وام فراهم نشد تصمیم به سرقت گرفتم.

مستاجرچی؟
نه، در تهران هم خانه دارم.

شما که وضع مالی خوبی داری چرا این تصمیم را گرفتی؟

سارق سیاهپوش مسلح که به شیوه فیلم‌های گانگستری به بانک ملی شعبه نعمت آباد در تهران دستبرد زده بود هنگام فرار موفق به باز کردن قفلی که به در ورودی زده بود، نشد و با شجاعت دو نفر از کارکنان بانک خلع سلاح شد.

به گزارش خبرنگار ما، عصرهای ساعت ۷:۴۵ صبح روز چهارشنبه را نشان می‌داد که مرد سیاهپوش نقابدار در حالی که اسلحه کمری در دست داشت وارد بانک ملی شعبه نعمت آباد شد و با قفلی که همراه داشت در راز داخل قفل کرد.

مرد مسلح برای ترساندن کارکنان و مشتریان بانک گلوله‌های با زمین شلیک کرد و همه را تهدید کرد هیچ حرکتی نکنند. او سپس رئیس بانک را گروگان گرفت و به طرف گاو صندوق رفت. دقایقی بعد کیف آبی رنگ خود را پر از دسته‌های چک‌های مسافرتی کرد و به طرف در حرکت کرد، اما همان لحظه دو نفر از کارکنان از پشت به او حمله کردند که سارق مسلح تیری به سوی آنها شلیک کرد که شسلوار وی را پاره کرد که کارکنان دیگر بانک و مشتریان به کمک آنها شتافتند و سارق مسلح را زمینگیر کردند. در همین لحظه کارکنان بانک همسایه موضوع را به مأموران پلیس اطلاع دادند و لحظاتی بعد تیمی از مأموران کلابتری ۱۵۳ شهرک ولیعصر در محل حاضر شدند و متهم را دستگیر کردند.

متهم پس از دستگیری به کلابتری شهرک ولیعصر منتقل شد. سرهنگ منصور حمیدوند، سر کلابتر پنجم پلیس پیشگیری در جمع خبرنگاران با اشاره به اینکه متأسفانه بانک فداکاری نکرده و ما به رؤسای بانک‌ها توصیه می‌کنیم تعامل لازم را به کلابتری‌های محل داشته باشند و با توجه به شرایط حساس بانک‌ها حتماً درخواست نگهبان کنند، گفت: سارق مسلح بعد از تهدید مشتری‌ها و کارمندان در حالی که صورت خود را با ماسک بهداشتی و عینک آفتابی پوشانده بود، خود را به گاو صندوق بانک نزدیک و اقدام به سرقت ۲۰ میلیون تراول چک از بانک کرد که هنگام فرار از سوی کارمندان

تهدیه کردم و روز قبل از سرقت هم به بانک رفتم و همه موارد را بررسی کردم که مطمئن شدم بانک مورد نظر نگهبان پلیس ندارد. به همین سبب بهترین گزینه همین بانک بود و این بانک را برای سرقت انتخاب کردم.

چرا قفل خریدی؟
در فیلم‌ها دیده بودم که سارقان از داخل در را قفل می‌کنند تا کسی نتواند برای کمک وارد بانک شود.

درباره روز حادثه توضیح بده؟

سارقان مسلح چطور سرقت می‌کنند و من هم سعی کردم مثل آنها عمل کنم.

چطور این بانسک را برای سرقت انتخاب کردی؟

این بانک در نزدیکی خانه‌ام بود و من هم چندین بار به بانک آمده بودم. چند روز قبل از سرقت هم کلاه، عینک، دستکش، ماسک، قفل، انبر دست، کیف و مقداری وسایل دیگر که برای سرقت مسلحانه لازم بود از بازار

اشتیاء کردم.

اسلحه را از کجا تهیه کردی؟
من قبلاً راننده کامیون بودم و همیشه در جاده‌ها تردد داشتم و به همین دلیل چند سال قبل از شهرستان زاهدان اسلحه خریدم.

چطور ایده سرقت مسلحانه به فکر ت رسیدی؟

در فیلم‌های گانگستری و هالیوودی دیده بودم که

رمز موفقیت مجرمان سایبری اعتماد بی جای کاربران است

علت وقوع بسیاری از جرائم سایبری، سوءاستفاده از اعتماد قربانیان است. همانگونه که در فضای حقیقی به هر شخصی اعتماد نکرده و اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار نمی‌دهیم در فضای مجازی نیز باید به همین نحو عمل تا حریم خصوصی خود را از گزند مجرمان سایبری حفظ کنیم.

در بررسی‌های صورت گرفته بر پرونده‌های تشکیل شده در پلیس فتا، علت وقوع جرائم سایبری در سال گذشته، اعتماد بیش از حد کاربران فضای مجازی به افراد آنلاین و سوءاستفاده مجرمان سایبری از اعتماد آنان بوده است. بنابراین، با هموطنان عزیز توصیه می‌کنیم، نسبت به نوع ارتباط خود و همچنین نوع محتوای منتشر شده در فضای مجازی دقت و حساسیت بیشتری داشته باشند.

متأسفانه قربانیان از برقراری ارتباط در فضای مجازی و به خصوص شبکه‌های اجتماعی و اعتماد بیش از حد به غریبه‌های آنلاین نتیجه‌ای جز نقض حریم خصوصی برای کاربران نداشته‌اند. حریمی که به آسانی و با انتشار تصاویری که در دست آنها توسط افراد غریبه نشت می‌دهد و می‌تواند تبعات و مشکلات فراوانی برای خانواده‌های ایرانی به وجود آورد.

نقض حریم خصوصی کاربران در فضای مجازی بیش از آن که به نرم افزارها، قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی و مهارت مجرمان سایبری بستگی داشته باشد به خود کاربران بستگی دارد که چگونه از حریم خصوصی خود در این فضا مراقبت و نگهداری کنند.

متأسفانه کاربران زیادی بدون توجه به حساسیت این موضوع و فقط در جهت سرگرمی یا فراخوان‌های اعلام شده از سوی سایت‌های خاص اقدام به بارگذاری تصاویر شخصی و خصوصی خود در فضای سایبر می‌کنند. به این امید که تصاویر ارسالی تنها از سوی دوستانشان مورد بازدید قرار خواهد گرفت، غافل از اینکه دیگران نیز امکان دریافت مطالب منتشر شده را خواهند داشت از همین رو به کاربران توصیه می‌شود در نگهداری عکس‌ها، کلیپ‌های شخصی و خانوادگی و اطلاعات محرمانه خود و فرزندانشان نهایت دقت و تلاش را داشته باشند و مانع انتشار آنها در فضای سایبر به خصوص شبکه‌های اجتماعی از سوی فرزندانشان شوند.

کاربران باید فیلم‌ها و اطلاعات خصوصی خود را رمزگذاری کرده و به هیچ وجه عکس‌ها و فیلم‌های شخصی و خانوادگی خود را در شبکه‌های اجتماعی گروه‌ها و اشتکال نگذارند و به فراخوان‌های سایت‌ها، گروه‌ها و اشتکال‌های شبکه‌های اجتماعی دعوت می‌کنند تا عکس‌ها و کلیپ‌های مناسبی خود را در سایت‌ها بار گذاری کنند اهمیت ندهند.

*** رئیس اداره تشخیص جرائم سایبری پلیس فتا**

عامل شلیک مرگبار جرمش را انکار کرد



مردی که دو سال قبل مقابل بیمارستانی در غرب پایتخت دوست صمیمی‌اش را با شلیک گلوله به قتل رساند، در جلسه دادگاه جرمش را انکار کرد.

به گزارش خبرنگار ما، بیست و دوم آذرماه ۹۵، مأموران کلابتری ۱۳۴ شهرک غرب از قتل مرد جوانی روبه‌روی بیمارستان عرفان شهرک غرب باخبر و راهی محل شدند. شواهد نشان می‌داد مرد جوان در حال پنجره‌گیری خودروی زانی خود بر اثر شلیک گلوله به قتل رسیده است.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات در این زمینه آغاز شد تا اینکه با رصد دوربین‌های مداربسته بیمارستان، پلیس دریافت عامل قتل مرد جوانی است که با زدن ماسک به صورت و کلاه به سر، مقتول را با شلیک گلوله به قتل رسانده است.

پس از بررسی‌های صورت گرفته در بیمارستان - نادر ۴ساله - با همسر ۳۰ساله‌اش به نام مهتاب اختلاف داشته است به همین دلیل احتمال دارد او از ماجرای قتل خبر داشته باشد. بنابراین همسر مقتول تحت بازجویی قرار گرفت و در توضیح به مأموران گفت: «من و شوهرم با هم اختلاف داشتیم و بعد از سالها زندگی هم جدا شدیم، اما بعد از چند ماه دوباره به زندگی برگشتم و صاحب فرزند شدیم، در مدتی که از نادر جدا بودم آرامش خود را از دست دادم و به شوهرم

بازداشتیم و بعد از آنکه به زندگی برگشتم رابطه‌ام را با او قطع کردم تا اینکه روزی به من پیامک داد. آن روز پیامک از آمان را به نادر نشان دادم و شوهرم دین آن گفت تو دخالت نکن من خودم با آمان صحبت می‌کنم. باور کننید از قتل و اینکه چه کسی شوهرم را به قتل رسانده است اطلاع ندارم.»

بازداشت اولین متهم

بعد از بررسی مکالمات تلفن همراه مقتول، مأموران به مرد جوانی به نام کامبیز مظنون شدند که شماره او در محل و زمان حادثه آنتن ندهی داشت به این ترتیب کامبیز ۲۵ساله شناسایی و دستگیر شد. او در بازجویی‌ها به قتل نادر با

همدستی آمان اعتراف کرد و گفت: «من و آمان سال‌ها قبل با هم دوست بودیم. روزی آمان مرا اغفال کرد و گفت زن و شوهری وارد زندگی پدرش شده‌اند. آن مرد، پدر او را معتاد کرده و باعث جدایی پدر و مادرش شده است به همین دلیل می‌خواهد آن مرد جوان را ادب کند.» متهم در ادامه گفت: «روز حادثه من و آمان قرار بود به استخر برویم به همین خاطر آمان با ما کاسیما دنبالم آمد، اما ماشینش را مقابل خانه‌مان پارک کرد و سوار پرایدم شد. در راه آمان خواست به سعادت آباد برویم. وقتی علت را پرسیدیم، گفت قصد دارد ابتدا سراغ آن مردی که قبلاً در موردش بین راه پلاک ماشینم را گل مالی کرد و کلاه و ماسک به سر و صورتش گذاشت، سپس از من بپارم تا در یک خیابان بن‌بست توقف کنم. آمان از ماشین پیاده شد دیگر او را نداندم تا اینکه با شنیدن صدای شلیک بلافاصله سوار ماشینم شد و از من خواست تا هر چه زودتر محل را ترک کنیم. آنجا بود که اسلحه را در دست آمان دیدم.»

بازداشت متهم به قتل
بعد از توضیحات کامبیز پلیس آمان را بازداشت کرد. او ابتدا جرمش را انکار کرد، اما بعد از مواجهه حضوری با همسر و دوستش - کامبیز - به قتل اعتراف کرد و گفت: «هشت‌سال قبل من و مقتول

در یک گروه اینترنتی با هم آشنا شدیم. آنجا بود که رفت و آمدها شروع شد و من با خانواده مقتول آشنا شدم. در این رفت و آمدها به اختلاف او با همسرش نیز پی بردم تا اینکه فهمیدم مقتول از همسرش جدا شده است. من به مهتاب علاقه‌مند شده بودم و با هم برای تفریح بیرون می‌رفتم. این گذشت تا اینکه فهمیدم مهتاب به زندگی‌اش رابطه‌ام را قطع کرد، اما وقتی متوجه اختلاف برشته و صاحب فرزند شده است. آنجا بود که در ادامه گفت: «روز حادثه من و آمان قرار بود به استخر برویم به همین خاطر آمان با ما کاسیما دنبالم آمد، اما ماشینش را مقابل خانه‌مان پارک کرد و سوار پرایدم شد. در راه آمان خواست به سعادت آباد برویم. وقتی علت را پرسیدیم، گفت قصد دارد ابتدا سراغ آن مردی که قبلاً در موردش بین راه پلاک ماشینم را گل مالی کرد و کلاه و ماسک به سر و صورتش گذاشت، سپس از من بپارم تا در یک خیابان بن‌بست توقف کنم. آمان از ماشین پیاده شد دیگر او را نداندم تا اینکه با شنیدن صدای شلیک بلافاصله سوار خودروی کامبیز شدم و محل را ترک کردم. در راه اسلحه را داخل کتانل آب انداختم و لباس‌هایم را عوض کردم.»

انکار قتل در دادگاه

با اقرارهای دو متهم، آمان به اتهام مباشرت در قتل و کامبیز به اتهام معاونت در قتل روانه زندان شدند و پرونده برای رسیدگی به شعبه‌بازدم ارسال شد. پرونده برای یک استان تهران فرستاده شد.

روز حادثه پلاک موتور سیکلتم را باز کردم تا شناسایی نشوم و وسایل مورد نیاز سرقت را برداشتم و با موتور سیکلتم به جلوی بانک آمدم. دستکش‌ها را دستم کردم و عینکم را زدم و کلاه را روی سرم و ماسک بهداشتی را روی صورتم گذاشتم و در حالی که در یکی از دستمان اسلحه و در دست دیگرم ساک آبی رنگ بود از در بزرگ وارد حیاط بانک شدم. در حیاط را از داخل قفل کردم و از پله‌ها بالا آمدم و وارد بانک شدم. در همان ابتدا چند مشتری در حال حرف زدن بودند که با دیدن اسلحه من وحشت کردند و من هم برای ترساندن آنها یک تیر به زمین شلیک کردم. با قفلی که همراه داشتم در بانک را قفل کردم تا کسی برای کمک وارد نشود. در حالی که همه شوکه شده بودند روی میز پریدم و رئیس بانک را تهدید کردم در گاو صندوق را باز کند. من اسلحه را به پشت رئیس بانک گذاشتم و او را به طرف گاو صندوق بردم و یکی از کارکنان در گاو صندوق بزرگی را باز کرد که داخل آن چند کمد بود.

با یکی از دستمان اسلحه را به طرف کارمندان بانک گرفتم و با دست دیگری به سرعت دسته‌های چک‌های مسافرتی را داخل کیف آبی ریختم که هنگام فرار دستگیر شدم.

چطور دستگیر شدی؟

کیف پر از پول را برداشتم و به طرف در آمدم. با خودم فکر کردم همه چی به خوبی تمام شد که متوجه شدم دو نفر از کارکنان و سرپرست بانک پشت سرم در حرکت هستند. سرپرست بانک گفت اسلحه‌ام تقلبی است و من هم به سوی او شلیک کردم که فهمیدم اسلحه جنگی است. در همین لحظه سعی کردم قفل را از داخل کیف آبی ریختم که هنگام فرار دستگیر شدم.

چقدر سرقت کردی؟
نمی‌دانم، اما حدود ۱۵ بسته چک مسافرتی برداشتم.

قتل پسر نوجوان بر سر چند گردو

دعوی او پسر نوجوان بر سر چند گردو در جنوب تهران با قتل یکی از آنها پایان یافت.

به گزارش خبرنگار ما، این حادثه ساعت ۲۰:۳۰ شامگاه سه‌شنبه، ۲۶ تیرماه در روستای شکرآباد کهریزک اتفاق افتاد. لحظاتی بعد از حادثه به مأموران کلابتری کهریزک خبر رسید پسری ۱۳ساله به نام رضا بر اثر اصابت ضربه چاقو مجروح شد و بعد از انتقال به بیمارستان هفت تیر جانش را از دست داده است. بعد از آن بود که مأموران پلیس در محل حاضر شده و بعد از تأیید خبر، جسد به دستور قاضی به پزشکی قانونی منتقل شد. یکی از شاگردان مقتول به خبرنگار ما گفت: رضا به همراه دوست ۱۳ساله‌اش برای چیدن گردو به باغ رفته بود. آنها ساعتی قبل بعد از چیدن گردو از باغ خارج شده و مشغول شکستن و خوردن گردو بودند که با هم مشاجره کردند. وقتی مشاجره آنها بالا گرفت پسر همسایه ناگهان دست به چاقو برد و رضا را از ناحیه قلب هدف قرار داد که مجروح شده و روی زمین افتاد. با تماس همسایه‌ها اورژانس ۱۰۵ دقیقه بعد از تماس در محل حاضر شده و رضا را به بیمارستان منتقل کردند که او به علت شدت جراحات جانش را از دست داد. وی گفت: متهم پرونده هم‌بازداشت و به کانون اصلاح و تربیت منتقل شد است. براساس این گزارش تحقیقات پلیس در این باره جریان دارد.

مرگ مشکوک زن دوم بررسی می‌شود

تحقیقات پلیس تهران از مردی که به اتهام مرگ مشکوک همسرش بازداشت شده در جریان است.

به گزارش خبرنگار ما، روز سه‌شنبه ۲۶ تیرماه امسال باز پرس ویژه قتل تهران از مرگ گاهان زن ۳۷ساله‌ای در بیمارستان سینا به خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند. نخستین بررسی‌ها نشان داد ساعت ۱۰ دقیقه بامداد دوشنبه ۲۵ تیرماه پیکر نیمه‌جان زن جوان از سوی شوهر ۴۱ساله‌اش به بیمارستان منتقل می‌شود که در نهایت یک روز بعد زن جوان فوت می‌کند. مرد جوان در بازجویی‌ها اولیه گفته بود که همسرش قرص آرام‌بخش مصرف کرده بود و حالش خوب نبود که او را هل دادم و به زمین خورد و بی‌هوش شد. بدین ترتیب مرد جوان بازداشت و به اداره پلیس منتقل شد.

متهم صبح دیروز برای تحقیق به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد. وی در بازجویی‌ها جرم خود را انکار کرد و مدعی شد که روز حادثه همسرم خودش زمین خورد و من هول شدم و به اشتباه گفتم همسرم را هل دادم. وی در شرح ماجرا گفت: من کارشناس ارشد یکی از ادارات تهران هستم. دو سال قبل در حالی که زن و یک‌دختر پنج‌ساله‌اشم با رؤیا آشنا شدم و به عنوان همسر دومم او را عقد کردم و در حال حاضر از رؤیا پسر ۵روزه دارم. رؤیا همیشه داروی آرامبخش می‌خورد.

روز حادثه بعد از اینکه به بچه‌اش رسید چهار عدد قرص آرامبخش خورد و ساعت خوابید. وقتی بیدار شد شروع به تمیز کردن پله‌های خانه شد که لحظاتی بعد صدایی به گوشم رسید که دیدم او به زمین خورده است. بلافاصله او را به داخل خانه آوردم که حالش خوب شد و بچه را به بغل گرفته بود که دوباره حالش بد شد و بچه را از او گرفتم و او هم بی‌هوش شد. وقتی او را به بیمارستان آوردم شدم و به اشتباه گفتم که من او را هل دادم.

متهم در ادامه به دستور قاضی برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن زوایای پنهان حادثه در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

کلاهبرداری با وعده فروش گوسفند در سایت دیوار

شرح داد. بعد از آن بر سر قیمت با هم توافق کردیم. مطابق قرار من مقداری از پول و کرایه انتقال گوسفند‌ها را به شماره حسابداری که در اختیارم گذاشت واریز کردم و منتظر رسیدن خودروی حامل گوسفند‌ها شدم. روز بعد وقتی تماس گرفتم گوشی تلفن آن مرد خاموش بود و او دیگر به تماس‌هایم جواب نداد.

سرهنگ ابوطالبی گفت: با مطرح شدن شکایت تحقیقات پلیس در این باره جریان دارد. وی ادامه داد: بعضاً شاهد این مورد رسیدن خودروی حامل گوسفند‌ها شدم. روز بعد وقتی خریدار برای آن که آن کالا را از دست ندهد بخشی از پول را به عنوان بیعانه

من دادماری است و مدتی بود که قصد داشتم چند رأس گوسفند بخرم. برای خرید گوسفند سری به سایت‌های شیپور و دیوار زدم. در سایت دیوار یک آگهی توجیه را جلب کرد؛ چرا که قیمت گوسفند‌ها مناسب بود برای همین با فروشنده تماس گرفتم و او جزئیات بیشتری از گوسفند‌ها را برایم

تحقیقات برای بازداشت مردی که با وعده فروش گوسفند در سایت دیوار و شیپور از مردم کلاهبرداری می‌کنند در جریان است. سرهنگ مرتضی ابوطالبی، رئیس پلیس فتا استان یزد توضیح داد: چند روز قبل مردی مأموران پلیس فتای یزد را ماجرا باخبر کرد. او گفت: شغل